

بایدمو کرات مرآ از خودش بداند و همین طور کسی که خودش را از فرقه دمو کرات بداند وقتی که رای بدهد مطابق آراء اجتماعیون اعتدالیون من باید او را از اعتدالیون بدانم و او صد مرتبه بگوید من از فرقه دمو کرات هستم و همچنین یک حکومت دیگر هم کردند که احزاب هم بیانند خودشان را معرفی نکنند بلکه نکند ما چند حزب هستیم و چند نفر هستیم در هر یک از احزاب اینهم خیلی فریب است که خودشان را بیانند از روی عقیده بشما بشناسانند بجهت اینکه چنانچه عرض گردید مسلک از روی عقیده معلوم می شود و در هیچ جای عالم ظاهرا این معنی نباشد که یک فرقه بیک فرقه دیگر بگویند که می خواهم شمارا بشناسم که شما ها کی ها هستید حکومت کما شما خودتان را بشمارید که من هستم ذلان است فلان است این معنی حکومت اقلیت بر اکثریت است.

رئيس شرحی مفصل از لزوم تشخیص احزاب (خاصه حزب اکثر و تعیین رؤسائے و ناطقین) شان و کاندیداتی که حزب اکثر برای وزارت در نظر دارد بیان فرموده و لزوم تکیه کردن وزارت با کثیریت مجلس و دفاع اکثر از وزراء و این که بدون ترتیب کار پیش نمی رود و تا کنون هم علت پیش نرفتن کارهای ایران همین مسئله بود فرمودند و بالاخره گفتند فردا و پس فردا افکار خود را صاف کرده و تکلیف بنده را در ۳ شنبه معین کنید که بتوانم حضور آقای نایب السلطنه عرضه بدارم و مادامی که وزرای جدید معرفی نشده اند همانطور که والاحضرت در دستخط خود اشاره فرموده اند این وزراء باید مشغول کار باشند دستور جلسه آئیشور در قانون محاسبات عمومی را پورت کمیسیون نظام راجع باخند سوار از ایلات قانون قبول و نکول بروات قانون ثبت اسناد ۲ ساعت و نیم از شب گذشته رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد.

جلسه ۲۱

صورت هشروح مذاکرات روز

سده شنبه ۲۱ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت وربع از غروب بریاست آقای

متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد.

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک

قرائت نمود.

(غایین جلسه قبل) - آفاشیخ ابراهیم زنجانی

بالجازه غائب.

آقا شیخعلی فارسی - آفاسید محمد باقر ادیب -

آقا میرزا ابراهیم قمی بموقع حاضر نشده آقای اسان

الحكماء میریض بودند.

نایب رئیس - درصورت مجلس اکرم لاحظاتی

هست بر مائید.

آقامیرزا احمد - عرض بنده راجع بصورت

مجلس نیست بخواستم تقاضا بکنم تلگراف آذر بایجان

خوانده شود.

نایب رئیس - این فرمایش جناب عالی

راجح بصورت مجلس نبود و بعلاوه آن تلگرافات

بکمیسیون عرایض فرستاده شد درصورت مجلس اگر

و طبیعی است که در یک همچو مملکتی که حکمه مت ملی است که هر روز برش بیک ملاحظه بوده یک چنین کاپیته برای مملکت چه میکند همان چیزی را میکند که شده است پس آن کاپیته دوم هم کاپیته اکثریت نبود پس از آن روز تا حالاهم اقداماتی کشید بواسطه این بود که کاپیته اکثریت نبود که ترتیب مشر و طبیت در مملکت می باشد تشکیل شود و اینکه من بگویم من هستم و ۴۸ رأی و این کامراهم در منزل آقای نایب السلطنه گفتم من تصور نمی کنم که آنقدر بی مدرک باشم که بگویم ۴۸ رأی هستم ما ومسئول ملت هستیم همچنین کلام را بنده نمی کویم مسئول مملکت وزرا هستند و هیئت مجلس وقته که من گفتم من هستم و ۴۸ رأی و شاهزاده سلیمان میرزا گفتند من هستم و ۲۱ رأی نهاینکه مسئول ایت بهده من است بعده ایشان نیست همانطوری که من باید خدمت بکنم شاهزاده سلیمان میرزا هم بخدمت بگفتند همانطوری که گفتند باید یا تنقید بگفتند یا (کرتیک) بگفتند (بخیالم ارباب اینجا است) و همانطوری که اکثریت باید کاپیته را حفظ بگفتند اقلیت هم نباید دری باین باشد که هر روزه حمله بگفتند کاپیته و جلو گیری از اقدامات کاپیته بگفتند بواسطه اینکه اگر بناشد هی صنک جلو راه کاپیته انداشت لابد کاپیته از کار خواهد افتاد بواسطه اینکه کاپیته رونین تن نیست که هر قدر سخت باشد از کار خواهد افتاد باید اقلیت تبعیت اکثریت را بگفتند اگر اکثریت لغزش دارد اکثریت را متنبه بگفتند اگر واقعاً چیزی از طریق اقلیت و اکثریت گذاشت و از مجلس خارج شد آن وقت اقلیت بنای حکومت را گذاشت در خارج جلوی قانون را نگیرد اگر یک چنین ترتیبی شد آنوقت کمان میکنم این یک مسئولیت بزرگی است و اقلیت هم مسئول است باشد اقلیت هم وظیفه خودشان را بدانند و وقتی که یک قانونی گذشت ولو بر ضد عقیده اقلیت بودن باید جلو گیری از بیشرفت و اجرای آن بگفت فقط جلو لغزش اکثریت را باید بگیرند اینها همه وظیفه اقلیت است و اقلیت و اکثریت هر دو مسئول میباشند و باید خودشان را مسئول این ملت بدانند و فهم و ضرر مملکت را جمع بندی کند و از اینها مجلس بود که در اینجا جمع شدند آنوقت مذاقشان کم کم معلوم شد و دسته های مختلف تشکیل شد آنوقت یواش یواش بنای پاره اقدامات شدو کاپیته سپهبدار بنای بحران گذاشت و مخالفت آنها باز راء کم کم سبب شد از برای اینکه کاپیته سپهبدار بنای بحرانهای پیاپی را گذاشت و گمان نمیکنم سپهبدار از اهل این مملکت باشد که بتواند بگوید آن کاپیته سپهبدار اکثریت داشت اما اینکه شاهزاده سلیمان میرزا گفتند کاپیته سپهبدار را کی عقب گرد و کی حمله باو کرد بنده عرض میکنم که ظاهرآ روزنامه های آن روزها تمام تاریخ یومیه ماست و اگر آنها جلوی خودمان بگذاریم معلوم میشود که حمله ار کدام طرف بود و این شبهه نداشت که در کاپیته آقای مستوفی المالک این مملکت حال آثارشیستی پیدا کرده بود در خیابانه اعلانآ در روز روش آدم میکشند چنانچه مرحوم میرزا علی محمد خان را کشتن مرحوم میرزا عبدالرؤف خان را کشتن مرحوم آقامید عبد الله را با آن وضع شهید کردند و همین ترتیبات را فرام آوردند و آن کاپیته که تشکیل شد هر یک وزارت خانه او بیک ملاحظه بود که انتخاب شدند یکی بمالحظه انتساب به اقلیت بود یکی بمالحظه انتساب بفلان تنقید یکی بمالحظه انتساب به اکثریت یکی برای اینکه بنده خوش بیاید یکی برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا خوش بیاید و قتی که یک چنین کاپیته تشکیل شد بدیهی است

روزنامه رسمی گشور شاهنشاهی ایران

یعنی به تصویب مجلس ملی است و همکذا اصل صد و بیکم مقام قانون اساسی که در کیفیت تأسیس دیوان محاسبات است میگوید که اعضاء دیوان محاسبات را مجلس برای مدتی، که بوجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود - و همچنین در اصل صد و پنجم میگوید مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود و همکذا هرجا را که ملاحظه میفرماید همینکه پای مالیه در میان آمد فقط اسم شورای ملی برده میشود و انحصار میدهد به مجلس ملی و هبیج حق مداخله رسمی به در آنها به مجلس سنا نداده است در صورتی که اگر مجلس سنا حق مداخله رسمی میداشت ولو بطود تفتیش باشد آنهم درینک هیئت تفتیشه که رسمی معین میشود برای تفتیش در محاسبات دولتی که همه میدانند دیوان محاسبات یا یک هیئت تفتیشه معظمی و از آن بالاتر هیئتی نیست با پستی در قانون و در آن اصلیکه راجع به دیوان محاسبات است مجلس سنا هم برده شده باشد و اگر باز بفرمایند که باز بهمان دلیل که مجلس ملی یا یک هیئتی بوده که زودتر تشکیل می شد از اینجهت تنها اسم او برده شده از اینجهت اسم مجلس سنا برده شده است بنده هم باز عرض می کنم که نظر باین مطلبی بود جای دیگر هم اسم از مجلس سنا برده نمیشود و حال آنکه برده شده است پس معلوم می شود مختص بودن امور مالیه است ولو بطود تفتیش هم باشد به مجلس شورای ملی پس بنده عرض می کنم که مجلس سنا ولو بطود تفتیش هم باشد حقی ندارد چنانچه قانون اساسی می فرماید در آنها برده شده است و بنده آن اصله ارامی غواص آنوقت بسته است بنظر اکثریت مجلس مثلاً ملاحظه

هسته شار المدله – مقدمه اين را لازم است هر ضكىنم که اين مطلب ربطی باين فقره ندارد که مجلس سنا تشکيل نشود اين دو مطلب را باید بكلی ازهم تفکيک کرد لهذا خواهش بگىنم از آفایانی که عقده شان اين است که مجلس سنا تشکيل نبايد بشود از آن نقطه نظر باين مطلب توجه نفرمایند نا اين که معنای حقیقتی اين قانون را معلوم بگىم – آفابان در ضمن هذا کره در پك ماده از قانون محاسبات عمومی فرمودند که مجلس سنا مر بوط نبست که در ضمن محاسبه دو نفرهم از آنجا معين بگئند از برای عضويت کميسیونیکه برای تفتيش معين بشود - جمعی دیگر اعتقادشان اين بود که خپلی مناسبت دارد لهذا اين مطلب راجم شد بگميسیون تفسیر که بنده هم بگی از اعضاء آن هستم البتا، قبله کسی وارد اين مطلب بشود و در اصل ۶۴ قانون اساسی وساپر اصلهای دیگر آن که بگويد امور مالیه از مختصات مجلس شوراي ملي است بدوان نظر می گند بنظر آنها همچو میآيد که پس در عمل محاسبه هم نبايد مجلس سنا مداخله داشته باشد ولی وقتی که يك قدری مطالعه بگئيم و داخل مطلب بشويم می بینيم در محاسبه مالیه هملکتی مجلس سنا همان حق را دارد که مجلس شوراي ملي آن حق را دارد برای اين که امور مالیه کليقاً عبارت است از جمع و خرج و محاسبات در جمع و خرج حق همان بوده است که در قانون اساسی نوشته شده است که يك از مختصات مجلس شوراي

که ارجاع به مجلس ملی می شود و از مجلس صنایع
برده نمی شود؛ از جهت این است که مجلس صنایع
این امور حق مداخله رسمیه را ندارد بلکه از با
این بود که عرض شد که آنوقت می خواستند وضع
استبدادی را بر گردانند بشور او آن هیئت فوری
هم که در آنوقت تشکیل می شد منحصر بوده به مجلس
ملی از اینجهه اسم اورا بر دند و با اختصاص داده
والا هر چه را که مجلس شورای ملی حق دار
مجلس صنایع حق دارد این بود دلیل اکثریت کمیسیون
تفسیر که بعرض نمایند کان و تماش آپان رسانید
که می گویند در امورات مملکتی که در قانون اساسی
ذکر شده است حتی در آن موادی که بعضی
اشتباه می کردند که در آنجا مجلس تنها خواهد
مدخله در آن خواهد داشت اینطور دوست که اختصار
به مجلس داشته باشد مثلا در ناسیون دیوان محاسبات
که در اصل (۱۲) قانون اساسی می گوید اختصار
دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی انتخاب خواهد
کرد آنهم از همین نقطه بطری بوده است که چون
می دانستند مجلس سنا با این زودی تشکیل نمی شود
و می خواستند وضع استبدادی را بر هم بزنند و ب
ترتیب بگذند و مجلس ملی یک هیئت بود ملی
شورا زودتر تشکیل می شد از اینجهت ارجاع کردند
انتخاب اعضاء آرا به مجلس ملی والا بنا بر این
نقطه بطری که عرض شد او هم حق تعیین و انتخاب
را دارد و در صورتیکه مجلس سنا داشته باشند باید
مجلس ملی به معیت او اینکار را بگذند حتی در
سایر چیزها مثلا مثل معاشر قانونی از چیزهای که
صورت احتمال داده شده است در قانون اساسی
به مجلس ملی رای مجلس سنا هم در آن دخول است
و اختصار به مجلس ملی ندارد این مقدار راجع بود
بمخبری بندی ببطور غیر رسمی مخبر بود ملی
چون اجازه خواسته بود از جهت مجاز بودن
می خواهم بعضی بطریات خودم را در این بباب
عرض بکنم این را هم عرض ننم که این یک
نظری بوده ا لئنریت کمیسیون داشته و رایشان
بر اینقرار کرفته بود نه اینشه تصور بفرماندهی
کمیسیون سنا خواه و طرفدار مجلس سنا
بوده باشند اینطور نبود برای اینکه بعضی از اعضا
کمیسیون بودند آنای مستشاران دوله که
میرمودند من خودم ضد مجلس سنا هستم مهند
این یک نظری بود که آیا بینینم مجلس سنا هم مثل
مجلس ملی حق مداخله در امور مالیه را درازد
ندارد و این مداخله دادن مجلس سنا مخالفات دارد
با قانون اساسی یا اینکه مخالفات ندارد بعضی بگفتند
مخالفات دارد و انت بر این بود که مخالفات ندارد
و صنایع حق مداخله دارد نه اینکه ملاحظه بفرماندهی
که اکثریت کمیسیون سنا خواه بوده است بلکه
بعضی می کفتند این حق را ندارد و با قانون
اصحیجیت در این بود که پهوج یعنی اینکه هر فر
ندردم که بعضی از اعضاء را بندی می شناسم که همان
صفا بودند حالا داخل می شویم در مطلبی که می خواهید
عرض بکنم نظر انت خودم این بود که این نظر

ملی داده شده نسبت به امور مالیه فقط باداره است
که در اصل (۴۶) قانون اساسی بیان شده است که
آن امور در مجلس ملی تصویب شده بعد به مجلس سنا
می رود و مجلس سنا اگر نظراتی در آن داشته باشد
نظرات خود را به مجلس ملی تقدیم می کند مجلس ملی
بعد از مدافعت در آن نظرات اختیار دارد که آن
نظرات را قبول و یا رد نماید محض اینکه امور
اینقدر اختصاصی به مجلس ملی دارد که تصویب
شده آنرا مجلس صنایع تواند رد نماید بلکه چنانکه
گفته شد مجلس سنا اگر نظراتی در آن داشته باشد
به مجلس ملی تقدیم می کند مجلس ملی می تواند
نظرات سنا را پذیرد و می تواند رد نماید .
آقاشیخ رضا اولا باید آنچه زیرینه ظریف می شون
بآن بوده است عرض کنم بعد از آنرا وقایعه خودم
را عرض می کنم کمیسیون تفسیر چنانچه خوانده شد
با کثریت رایشان براین بود که این ماده (۴۹) قانون
محاسبات عمومی مخالفاتی با قانون اساسی ندارد
چنانچه در جلسات گذشته هم در اینخصوص مذاکره
شد کمیسیون تفسیر اعضا ایش اتفاق آماغه شان براین
بود که امور مالیه راجع به مجلس ملی است بآن مخالفات
اینچه خوانده شد که تصویب شده اورا هیچ هیئتی از
هیئت های دولتی نمی توانند رد نماید چه سنا و چه غیر
سنا این مقدار از اختصاصی را هیچیک از اعضاء
کمیسیون رد نکرده اند قبول کرده اند ولی مسئله که
در باب آن کمیسیون تفسیر اکثریت واقعیت پیدا
کرده است این بود که آیا در امور مالیه مجلس سنا
هم حق مداخله رسمیه را دارد چنانکه لایحه قانون
عمومی می گوید که کمیسیونی وزیر مالیه از حضور
اعلیحضرت های این در خواست می کند که مرکب است
از اعضاء دیوان محاسبات و مجلس ملی و مجلس سنا
که مرکب شدن آن کمیسیون از اعضاء مجلس سنا
میرساند که مجلس سنا حق مداخله رسمیه را دارد امور
مالیه دارد ولی حق رد نمودن تصویب شده مجلس ملی
را ندارد یا اینکه مجلس حق این مداخله رسمیه را
ندارد کمیسیون تفسیر در این باب اختلاف بهم دسانید
اکثریت کمیسیون عقیده شان براین بود که حق
مداخله رسمیه را دارد فقط یک نفر آنها عقیده اش
این بود که هیچ یک از هیئت های دولتی حق مداخله
رسمیه در امور مالیه ندارد ولی نظر اکثریت کمیسیون
همان بود که عرض کردم و دلیل اکثریت هم بنابراین
آنچه در اینکه تمام امور بسته بفرمان ملی
وضع استبدادیکه تمام امور بسته بفرمان یک نفر
بوده بوضوح شود اکه امور بسته برای اکثریت است وجد
می شد که ندارد بودن رأی یک نفر برای دوران امور
نسخ شده و حکومت ملیه و ظریفه شود ره بجای آن
برقرار گردد و چون در نظر مجلس سیکه بزودی تشکیل
می شد همان مجلس ملی بوده و بنظر نمی آمد که مجلس
سنا باین زودی تشکیل یابد فلهذا در قانون اساسی
که هنگام نوشتن آن نظر مقصود بتفصیل وضع استبدادی
بوضوح شورا بوده امور ارجاع به مجلس ملی و بسته
بتصویب آن گردیده و الامعوم است که در امور این
ملک است که امروز قانونی دارای مجلس سنا است
مانند سایر ممالک سنا و از هر دو مجلس حق مداخله
رسمیه خواهند داشت چنانکه در اصل (۳۳) قانون
اصحیجیت شده است و اختصاصیکه به مجلس

اعضاه کمیسیون کافی نیست ماهم تصدیق داریم که مراد از کلمه مجلس که در قانون اساسی می‌نویسد مجلس شورای ملی است نه مجلسین و تصور هم نمی‌کنم که کسی بگوید مراد مجلسین است ولی فقره در امور مالی اختصاص مجلس شورای ملی دارد زیادتر از آن چیزی نیست که در اصل (۱۸) نوشته شده است و حکمتی هم که در اینکار هست که مجبور کرده است تمام عالم را که این اختصاص را مجلس شورای ملی بدند همان است که عرض کردم که جمع و خرج بکچیزی است که راجح است بهامه و هموم باید نظارت در آن داشته باشند واصل (۳۴) متم قانون اساسی را اگر ملاحظه فرموده باشند در آنجا می‌نویسد که هر یک آن مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند و واضح است که بزرگتر تحقیق و تفحص در مالیات مملکتی است و البته معلوم است که در این تفتيش نقطه نظرش همان حدودی است که مجلس شورای ملی معین کرده است و از آن تجاوز نخواهد کرد پرای اینکه جمع و خرج همان جمع و خرجی است که در ابتداء سال مجلس تصویب کرده است فقط مجلس سنا یک نظارتی می‌کند در اینکه بینند این چیزی که از مجلس شورای ملی گذاشته است بهمان ترتیب که تصویب شده است عمل شده است یا نشده است و این هیچ مخالفتی با قانون اساسی و اختصاصات مجلس نخواهد داشت و خواهش می‌کنم اگر کسی مخالفتی در این خصوص می‌بیند فقط آن نقطه نظر مخالفت با قانون اساسی را بیان بکند چون ما می‌بینیم در این ماده قانون محاسبات عمومی که می‌نویسد کمیسیونی که تشکیل می‌شود برای تفتيش در محاسبات مرکب خواهد بود از اعضاء مجلس شورای ملی و دیوان محاسبات و دو نفر از مجلس سنا این ماده هیچ مخالفتی با قانون اساسی ندارد غیر از اصل ۶۴ که می‌نویسد پس اتفاقاً سنا تمام امور باید به تصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا با از طرف هیئت وزراء عنوان شده باید اول در مجلس تقدیم شده با کثربت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان می‌شود بر همکن از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه در این جا می‌توان گفت که آن ماده مخالف با قانون اساسی با قانون اساسی است بعد از کوید مگر امور مالیه که خصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را به مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس مختار است که ملاحظات مجلس سنا را در مدافعت لازمه قبول یا رد نماید ولی من تصور می‌کنم که این اصل تفسیرش بهمان اصل هفدهم و هیجدهم خوب است و هیچ مخالفتی ندارد برای این که امور مالیه را در آن دو اصل معنی کرده است که یا جمع است و یا خرج ولی راجح بتفريحه اودجه با نظارت در امر اودجه که ما بگوییم در کمیسیونی که برای تفتيش در حسابها معین می‌شود که دونفر از مجلس سنا باشند هیچ مخالف نیست با این که امور مالیه مختص است به مجلس و حالا سایر آدمیان هم

در اینجا مجلسین فرض کرد که عرايض حقه را
با آنها می توانند بدست وهم چنین باز در اصل ۲۰
در موضوع مبنویست که بهر اسم و بهر عنوان و از
هر کسی باید باشد تصویب مجلس باید در آنها
هم می توان مجلسین فرض کرد که هر دو باید تصویب
بکنند و بالاخره مطابق این تفسیر باید هیچ حقی
را اختصاص به مجلس شورا ندهیم مثلا در اصل ۱۸
که میگوید تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه
در وضع مالیات ها وغیر اینها را که تصویب مجلس
موکول منحصر میکند هر دو مجلس حق برای این
که مراد از مجلس بنابراین دلیل بکه ذکر کرده اند
مجلسین است و هم چنین در اصل (۱۰۱) در
انتخاب اعضاء دیوان محاسبات که هر چه از ترتیب
مالیه مملکت و بودجه است در آنها است و مخصوص
میکند انتخاب آنها را به مجلس شورای ملی و در اصل
(۴۶) که باز امور مالیه را منحصر میکند به مجلس
ملی در تمام اینجاها ممکن است که مجلس را تفسیر
بکنیم به مجلسین و بگوییم هر دو مجلس در این موارد
بالسویه حق دارند زیرا که بهمان دلیل بکه فرمودند
رسید کی بحساب را تمام افراد ملت حق دارد و
مجلس سنا هم مثل مجلس ملی است پس خوب است
اینرا هم حق بدهیم که مجلسین بالاتفاق اعضاء
دیوان محاسبات را انتخاب بکنند و اگر اینطور
باید کار بهتر میگذرد و بهمین جهة هم ممکن
است از برای تفريح بودجه سه نفر از مجلس سنا
برای عضویت این کمیسیون انتخاب بشود و آن
اشکالاتی را که بندۀ آن روز در اینخصوص کردم
یکی از نماینده کان که حلال در نظرم نیست که کدام
یک از آنها بودند جواب فرمودند که از برای
اینکه کمتر اختلاف نظر ما بین مجلس شورای ملی
ومجلس سنا حاصل بشود بهتر این است که دو نفر
از مجلس سنا در این کمیسیون باشند که تحقق
ورسید کی گردد راپورت خودشان را عرض مجلس
بر میانند بندۀ عرض میکنم که بازیجهت بهتر این
است که اعضاء دیوان محاسبات را هم که انتخاب
مینمایند مجلس سنا مداخله داشته باشد زیرا که
شما در اینجا مجلس را تفسیر میکنید به مجلسین نا
اینکه سناهم حق انتخاب دونفر باشه نفر دادر این
کمیسیون داشته باشد پس بهتر این است که در انتخاب
اعضاء دیوان محاسبات هم مجلس را به مجلسین
تفسیر کنید که یک عدد را هم مجلس سنا انتخاب
میکند تا اینکه هیچ اختلاف نظری پیدا نشود و بندۀ
هر چه تصور میکنم مو بینم که این دلیل کمیسیون
راهیج اهمیتی نمیشود دادزیرا که اگر همان دلیل را
قانع بشویم که چون آنوقت اولین مجلس بکه افتتاح
میشود مجلس شورای ملی بود و بنا بر این در اغلب
جاهای لفظ مجلس تنها را ذکر کرده اند و بگوییم که
مراد از آنها تمام مجایین است باید این وظایفی
را که بندۀ عرض کردم که در اصل ۶۴ مبنویست امور
مالیه و در جاهای دیگر میگویند جرح و تعدیل بودجه
تعديل مالیات تغییر حدود و ثبور استقرار دولتی
عرض حال تسویه امور مالیه تعبین اعضاء دیوان محاسبات
گفت که حق هر دو مجلس هیچ حق انتخابی نخواهد
دارند و بنا بر این مجلس هیچ حق انتخابی نخواهد
داشت این است آنچه را که بندۀ از این اصلها و موارد

ملی است برای این
بر ملت پیشود و مجلس
از نمایندگان ملت به
برآنها تحمیل پیشود
تصویب بگند و همان
درآمد و عایدات
موکلین خودشان تحمیل
تصویب بگند ولی مطلب
دیگری است
اعمال راجع است با
بهینه که آیا آن می
از عهد برمیایند یا
نهاده بر بینه دستید
است که هم حق مجلس
مجلس صنا داکر ب
که هر آنچه که م
نیتی را می توان
شورای ملی این داده
ما بیان مجمع ادبائی
زبان فارسی و درصد
پیشود بالفاظ و کلمات
آنوقت مجلس می باید
مجلس ملی است نه
در آنون احصای
مجلس صنا می تواند
میله ای از نمایندگان
وقتی که تمام امور
راجع به مجلس شورای
مالیه مسئول مجلس
مواد هم نبود فرض
است از نمایندگان می
یک قسمت نمایندگان
ذوه مجریه و ایندوه به
نهاده که نظارت و ر
خصوصاً بمحاسبات م
باپندو هیئت که شما
است باشد در محاسبات
این مجلس مجلس صنا
آنها بکه از ملت بر
پیشوند حق دارند با
این خصوص حق این داده
در یک محاسبه مجلس
است ولی مجلس صنا
نهاده که آنرا داد نمایند
چون این راجع با مرکز

شود به موجب این اصل ۷ اقوانین نازه را که بخواهیم وضع و یا نسخ بکنیم باید بتصویب سنا هم باشد یعنی تمام لوایح لازمه و قوانین چه در وضع و چه در نسخ باید بتصویب هر دو مجلس باشد اصل ۳۳ را ملاحظه بفرمایید می نویسد قوانین جدید که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسئول انشاء و تنقیح بافته بتوسط وزرای مسئول یا از طرف صدر اعظم مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بعده همایونی موشح گشته بموضع اجرا کذاشته میشود واین که گفته شد که در هر ماده که اسم مجلس برده شده است آن ماده اختصاص به مجلس دارد این مسئله بنظر نمایید زیرا که اصل ۱۷ میگوید قوانین جدید بامجلسین است ولی ماده ۳۳ قوانین جدیده را راجع میکند به مجلس گمان نمیکنم که آنوقت که مقنن این قانون اساسی را نوشت این نکات را ملتقت نشده باشد و نباید خیال کرد که هرجا اسم هر دو مجلس برده نشده است از این راه نبوده است که باید حکماً آن مسئله فقط راجع به مجلس باشد و سنایه بحق مداخله نداشته باشد اگر اینطور باشد آن اشخاصی که با بنده هم رأی نیستند از ایشان خواهش دارم که این اصل ۳۳ را با اصل ۱۷ مطابقه کنند به یعنی مبنده دویست و پانصد و پنجمین ماده ۴۱ را ملاحظه کنید مبنویسند وزراء حق دارند در اجلاس مجلس شورای ملی حاضر شده و در جایی که برای آنها مقر راست نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم داشتند از ربیس مجلس اجازه نطق خواسته توصیحات لازمه را از برای مذاکره و مدافعت امور بدهند پس از این رو و تقدیر که مجلس سنا تشکیل شد وزرائے خواهند بروند به مجلس سنا از آنها جلوگیری خواهد شد که بروند به مجلس سنا زیرا تنها مجلس ملی نوشتہ است بروند و این مخالفت دارد با قانون اساسی و این راه هر عرض کنم که کمیسیون دو دلیل داشت انسان و تقدیر که دلیل دارد در یک مطلب یکی از آن دلایل که خبلی فوی است ذکر میکند و اینمانع نمیشود از اینکه آن دلیل که ضعیف تر باشد آنرا نگوید و این مسئله کمیسیون ۱۲ نفری راجع به این اصل ۶ نیست که در آن اختلافی باشد عقبیه کمیسیون اینستکه آنچه در ماده ۹ قانون محاسبات عمومی نوشته شده راجع بتصویب نیست که سنا حق نداشته باشد بلکه راجع بمنظارت است تعیین تفحص و تفتیش این نه شامل ماده ۶ است نه شامل ۱۸ نه بجز کدام از این مراد فقط در ماده ۳۳ مبنویسند که در تمام امور مجلس حق تفحص و تفتیش را دارد و در ماده ۶۰ که میگوید وزراء در مقابل مجلسین مسئول هستند ایندو ماده تمام این اختلافات و اشکالات را رفع میکند در کمیسیون در این مسئله ماده ۱۸ اینکه آنوقت قانون اساسی را مینوشتند بک سلطانی بود و فقط نظر مردم بآن سلطانی بود که بخواهند او را تغییر بدهند و امور را راجع بهیئت شوری کنند مذاکره شد و این اشکال کمیسیون فقط باین دلایل بود این مطلب های دلایلی بود که در ضمن مذاکرات گفته شد حالا اگر شما میفرمایید این دلایل سنت است چه عیب دارد کمیسیون مینتواند که آن دلایل را محو بکند و با دلایل دیگر قوی تر که ماده ۶ و مواد دیگر ثابت بکند و هیچ معرفی آن دلایل نشده حالا ماده ۶ و ماده ۳۳ و ماده ۶۰ را ملاحظه بفرمایید معلوم میشود که این ماده ۴۹ محاسبات عمومی به چوچه با قانون اساسی مخالفت و مخالفت ندارد

مالیه بعده آنکه حق تفحص و تفتيش را دارد اگر هیچی در امور ملاحظه کردند بمحض ماده دیگری که اصل ۶۰ است حق استیضاح دارند و آن ماده این طور میگوید که وزرا در مقابل هر یک از مجلسین مشغول هستند این یعنی مجلس سنا اگر دید که بعضی امور مختلف است می تواند وزرا را بخواهند و از آنها استیضاح بگیرند پس بنده نمیبینم این ماده ۹۴ باین ترتیبی که نوشته شده است مخالف است با قانون اساسی داشته باشد اما آمدیم به مسئله تصویب حق تصویب یعنی رأی قاطع دادن یعنی در یک امری که رأی ندادند رد شده محسوب شود بنده عقیده ام این است که مجلس سنام موافق قانون اساسی در نام امور حق تصویب دارد مگر آنچه را که قانون اساسی مخصوصاً استثنایاً کرده است استثنایهم از راه تفسیر توسعه بردارن بسته مسئله است که باید اول یک قاعده کلی را در نظر گرفت و بعد هر چه در قانون استثنای شد است همان رادر تحت ملاحظه درآورد بدون اینکه از راه تفسیر و تعبیر معنی آنرا توسعه داده بعبارات اخیری استثنای همان است که نوشته شده بدون اینکه معنی آن را بتوان زیاد باکم کرد حالا به بینیم در مسئله تصویب چه اختباری قانون اساسی به مجلس سنا داده است ماده ۶۴ که خوانده شد تقریباً در اوآخر قانون اساسی است و اگر هم بعضی از مواد باشد که اسباب تردید و تشکیک باشد این ماده بکلی تردید را رفع میکند میگوید پس از تشکیل سنا تمام امور به تصویب هر دو مجلس باید باشد اگر آن امور در سنا از طرف هیئت وزرا عنوان شده باید اول در مجلس تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی بررسد ولی اموری که در مجلس شورای اسلامی عنوان بشود بر عکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رسید مگر امور مالیه که مخصوص به مجلس شورای اسلامی خواهد بود و قرارداد مجلس مذکور با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مژبور ملاحظات را به مجلس شورای اسلامی اظهار نماید ولیکن مجلس اسلامی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاکره لازمه قبول پارد نماید در آخر ماده توضیح میکند که غرض از رفتن به مجلس سنا یعنی چه و اختصاص یعنی چه پس در امور مالیه علاوه بر اینکه مجلس سنا حق نظارت دارد یک حق استشاری هم دارد یعنی باو میگویند که ما فلان کار را بخواهیم بگذیم شما چه ملاح میدانید حالا دور نیست ایراد کنند که رأی آنها محل اعتبار نیست چه جهت آنها رجوع میکنند ولی بنده عرض میکنم ممکن است از مذاکراتی که در آن مجلس میشود یک نتیجه صحیحی بدست باید پس در امور مالیه هر طوری که در مجلس قرار داده میشود باید با اطلاع سنا بررسد اوهم مذاکره میکند ممکن است در ضمن مذاکرات خیلی مطالب معلوم شود و با اطلاع و به مجلس بررسدو مجلس مقاعد بشود لکن اگر مجلس سنا قبول نکرد و رد کرد آنوقت این رأی مجلس سنا مناط اعتماد نیست این قسم رأی استشاری است که با اصطلاح فرنگیها (کونسلول تاسیف اس) آقای مخبر ایراد کردن و لفظ مگر را بیک تعبیر دیگری بیان کردن و گفتند که مقصود متفهم این بوده است که اموری که به مجلس شورای اسلامی میباشد بسنا بروند بهجهت اینکه مفمن

صفحه ۹۳۲

اگر مخالفتی در این مطلب با قانون اساسی مشاهده می فرمایند فقط نظر خود را خواهند بیان فرمود و هرچه که مجلس رأی داد همان شواهد بود آقامیرزا احمد — بنده اولاً یک اعتراض کوچکی باقای مخبر دارم بنده کسی که مخرب یک کمیسیونی شد اول وظیفه اش این است که عقیده خودش را موافق با عقیده کمیسیون بگذارد و ادفاع از خواهد بود و انسان هم کم خواهد اظهاری بگذارد نمی داند موافق است یا مخالف بجهة اینکه بنده مثلاً می بینم که با رایوت کمیسیون مخالفم ولی با مخبر موافق و از این جهه مردم در اینکه مخالفت خود را عرض نکنم یا عرض نکنم این است که عقیده بنده بعد از این مخبری که معین می شوند اگر عقیده شان موافق با اکثریت کمیسیون نیست واگذار بگنبد دفاع را بیلکم مخبری که عقیده اش موافق باشد با اکثریت کمیسیون و از روی عقیده و سلیقه خودش دفاع بگذارد و اما راجع برایورت همانطور که گفته شد این رایورت صحیح نیست و دلیل او هم منطقی نیست برای اینکه میگوید که در آن وقت فقط نظر پر کشتن ترتیب استبداد بود دیگر التفاتی چندان بگم و گویی مجلس نداشتند و این معنی را تکذیب میگند عین اصل (۴۶) قانون اساسی که میگوید پس از انعقاد سنا و لفظ پس از انعقاد سنا دیگر محلی برای این نمی گذارد که بجهت تأخیر در انعقاد سنا بوده است که اغلب امور را مجلس شورای ملی اصلاح کردند و این دلیلی را هم که آقای مستشارالدوله فرمودند از حیث دلیلیت خوبی صحیح است ولی در این مورد که ملاحظه میکنیم میبینیم که این فرمایش ایشان در واقع معارضه نمی اسست با دلیل مذالم بفرمایند وزیر مالیه در مقابل مجلسین مسئول است یا اینکه مذاقه هیفرمایند بیلکم مجمع ادیی که بخواهد در اصلاح کلبات راجعه بامور مالیه مذاکره کنند اینها همچنان و وقتیکه ملاحظه میگوییم میگوییم که مقاومت با نص صریح قانون اساسی نمیگذارد و دلیلیت ندارد اینکه میفرمایند امور مالیه دو قسم است یکی جمع و خرج است و یکی محاسبه و آنکه از مختصات مجلس شورای ملی است همان مسئله جمع و خرج است و امر محاسبه مختص مجلس نیست از کجا این را میفرمایند و از کجا قانون اساسی این استنبط را فرمودند در صورتیکه لفظ امور تمام آنها را میگیرد برای اینکه آنچه راجع است بامور مالیه معلوم است که جمع و خرج و محاسبه است و نمی شود اینها را از هم تفکیک کرد برای اینکه لفظ شامل همه آنها است و اگر شما در خارج هزار دلیل اقامه بگنبد با این یک جمله که می نویسد مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بودچه خواهید کرد این گذشتۀ این ماده نرفته بکمیسیون تفسیر مگر برای اینکه این لفظ مجلد بود اگر مجلد نبود که مجلس رأی نمیگارد که بروز بکمیسیون تفسیر و دلیلی نداشت درجع بکمیسیون جز اعمال آن و کمیسیون در عوض اینکه رفع اجمال بگذند اینطور رایو دشداده اند که چون آنوقت می خواستند استبداد را بردارند و نظر به مجلس سنا نداشند از اینجهت است که اسمی از سنا

مجلس سنا مداخله در امور مالیه بگذارد و اما این که راجع بادیبات فرمودند بنده خیلی تعجب می کنم از این فرمایش ایشان می فرمایند اگر مایک مجمع ادبی میباشد و او شروع باصلاح زبان فارسی و کلبات آن می کرد در ائمه که میرسید بکلابات به راجع به مالیه است و در آنورد استهمال می شود بمجلس شورای ملی خواهد گفت که امور مالیه راجع است و از مختصات من است و شما در این اصلاحی که می خواهید بگنبد باید از من اجازه بخواهید از ایشان انصاف می خواهیم که به بینند چقدر فرق دارد مثلاً جمع و خرج و محاسبه امور مالیه باصلاح کلاماتی که راجع است به مالیه و در یک مجمع ادبی آنرا بخواهند اصلاح بنمایند اینها تمام است بجانب این است و است بجانب این راجع این در مقابل نص صریح قانون اساسی قبول کرد برای این که نص صریح قانون اساسی است که امور مالیه از مختصات مجلس شورای ملی است حالا اگر دلیلی آورند که مراد از امور مالیه فقط همان جمع و خرج است و محاسبه خارج است از امور مالیه آنوقت بنده میتوانم قبول بگنم که محاسبه و رسیدگی با آن از مختصات مجلس شورای ملی نیست .

موتهن الملک -- بنده باید تاریخ این مسئله را از اول عرض کنم تا مطلب درست معلوم شود در ماده ۹۴ قانون محاسبات عمومی نوشته شده است که یک کمیسیونی باید انتخاب شود مرکب از ۱۲ نفر شش نفر از مجلس شورای ملی سه نفر از مجلس سنا و سه نفر از دیوان محاسبات برای اینکه بر وند به بینند این حسابهای را که وزراه به مجلس یا مجلسین داده اند حقیقت دارد یانه یعنی موافق و مطابق است با آنچه در دفتر خودشان نوشته اند یا مطابق نیست بهضیها اشکال کردن که این ماده با قانون اساسی منافات دارد حالت خواهیم بینیم که چنانچه بعضها ایراد کردن این میثله باقیون اساسی مخالفت دارد یانه یعنی وجود این سه نفر اعضاء مجلس سنا در این کمیسیون با قانون اساسی منافات دارد یانه یعنی می خواهیم بهینیم موافق قانون اساسی این کار از حدود سنا خارج است یانه سنا به هر مجلس که در یک مملکتی باشد چه نوع اختیاراتی می تواند داشته باشد یکی از اختیارات نظارت است یعنی حق تفحص و تفتيش حق سوال و استیضاح است و اگر عیبی در جایی ملاحظه کرد ایراد استیضاح می کند این یک درجه از اختیارات یعنی حق نظارت درجه دوم که بالاتر است حق تصویب است یعنی اگر قانونی بآن مجلس پیشنهاد شد و تصویب شد و رأی داد آن قانون قبول است و اگر رد شود قانون نیست حالا می خواهیم بدانیم این مسئله در ماده ۹۴ محاسبات عمومی راجع بکدام یک از این دو نوع اختیار است راجع بمسئله تصویب است یعنی رأی فاطع دادن یا راجع است بمسئله نظارت بنده گمان میکنم که این راجع بمسئله نظارت است و هیچکس اینجا نمیتواند بگوید که مجلس سنا حق نظارت ندارد ماده ۹۴ قانون اساسی می گوید که مجلسین حق تفحص و تفحص در تمام مملکت دارند دیگر نمیگوید باستثنای

مخصوص مجلس شورای ملی است و از هر جهت
وهمه جهتش را عرض کردم مانظر میکنیم در هر جایی
که پایی مالیه در او هست هیچ اس-م مجلس سنا نیست
ولار اینکه در تفتش مالیه باشد اینجا مناطق بدست
می آید که مجلس سنا دستش خالی است از این
حق پس این جمل مخصوص آن عامی می شود که
میگوید هر دو مجلس حق تفتش دارد مگر در
امور مالیه پس این ماده (۳۳) عمومش نمی تواند بر سازند
چیزی را که بنده عرض کردم پس باز عرض می
نمکنم گرچه این مطلب خیلی کوچک بمنظیر
می آید و این که خوب حق تفتش داشته باشد
یا نداشته باشد این بگنجای دنیا بر میخورد اینطور
نیست کاهیست صدصال دیگر جماعت دیگری پیاپند
و این پک ذره کوچکی را که امروز اگر از دست
برود تاریخی خواهد بود و آن جماعت خواهند کفت
که کپها اینها را از دست داده اند حق را کوچک نمایند
شمرد واواینکه کوچک است نمایند از دست داد من
حق نداده ام ولی با آنها پکه در کمپسیون بوده و

حق داده اند عرض میکنیم که باید این عملت را
کرده باشند بنده با آنها میگویم که در کامپیون
بوده اند درست مطالمه نکرده اند ملت هستند و باید ملت
چونکه اینها نماینده این ملت هستند و باید ملت
باشند که از حقوق ملت کامته نشود این حق واو
حی ذره ایست باید از دست داد باز هم عرض میکنم
واز طرف آنها استرحام میکنم.

آقامیرزا اسدالله خان — مخبر فتح طحق
داردد موافقی که نوبت او نیست دفاع میخواهد بگفته
از راپورت کامپیون میتواند و الا در هردو دقیقه
عقاید شخصی خودشان را گفتن خوب است ملت
باشند این وقت را میگیرد متنظر نوبت باشند چون
بنده هم یکی از آن اشخاصی هستم که اجازه

آقا شیخ اسدالله - عرض بندۀ خارج از خواستم. موافقت و مخالفت است پیغواهم عرض کنم که بیک هم عرض میکنم که هیچ صلاح نبوداین بکمیسیون برود روز مجلس را به مین موضع و مذاکرات تقریباً ختم کردیم امروز هم به مین مذاکرات مجلس ختم میشود و بنده نخواستم بگویم که این‌مسئله را قانون اساسی نفی میکند گفتم قانون اساسی اثبات حقی برای مجلس سنا و هر چه هم بعد از این مذاکرات بشهود نظرات خودشان را در میکند و دست این‌مسئله باشند و لی برای این‌که رفع اشتباه بگذرم آقایانی که اظهار میکنند که ماده ۹۴ معاسبات همومری مخالف است که اقتضای خودشان است بر میدارند پس خوب است با نص قانون اساسی دو اصل از قانون اساسی را مجلس سنا نمی‌دهیم و بجهة تضییع وقت کردن چرا

مخالفت کرده‌اند پانص صریح قانون اساسی بکی
اصل [۲۷] است اصل (۲۷) را فرات کرد؛
اصل (۲۷) قوای مملکت بسه شعبه تجزیه می‌شود
اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهدیب
قوانین و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی
و مجلس شورای ملی و مجلس سنای هر یک ار این
سه منشأ حق اشاء قانون را دارد ولی استقرار
آن موقوف هست بعدم مخالفت با موازین شرعیه
تصویب مجلسین و توشهج بصیر همایونی اگن وضع
و تصویب قوانین راجعه دخل و خرج مملکت از
مخالفات مجلس شورای ملی است اگر یک قدری
بنظر دقت این اصل را بخواهید مبنویسد وضع و
تصویب قانون دخل و خرج نه عمل تفتيش مخصوص
دخل و خرج تصریح می‌کند اینجا دیگر ماده هیچ

نایب رئیس - با کثیریت تصویب شد .
تصویب کنندگان ، [درجه سفید] کاشف ، شیخانی
، ذکاء الملک ، دهخدا ، هر تضیی فلمیخان بختیاری
دکتر امیر خان ، شیخ الرئیس ، امام جمعه ،
آذینه محمدخان ، آفاسیخعلی ، میرزا ابراهیم قمی
، مؤمن الملک ، معاضدالسلطنه ، حاج محمد کریمخان
انتظام الحکماء ، مصدق الملک ، سردار اسد
ارباب کیم خسرو ، آفاسپد محمد بر و جردی ، حاج آقا
آقا عبدالحسین ، حاج دکتر رضا خان ،
آقا میرزا محمد صادق کردستانی ، مستشار الدوله
معاضد الملک ، مشیرالدوله ، میرزا رضای مستوفی
 حاجی شیخعلی ، دکتر حیدر میرزا ، رکن ،
الممالک ، میرزا هر تضیی فلمیخان ، مدرس ،
دهیم الملک ، مهین السلطنه ، حاجی میرزار صاحب خان
(آی) : تربیت ، بیهجهت ، ابوالقاسم میرزا ، علیزاده
آقا میرزا احمد فزوینی ، آفاسپد جلیل ، آقا
میرزا داودخان ، آقا عبدالحسین اردبیلی ، زنجانی
نجم آبادی ، هاشم میرزا ، ضباء الممالک ،
میرزا رضا خان نائینی ، پانس ، شیخ غلام حسین
نجات ، وحید الملک ، منتصرالسلطان ، کرازی
سلیمان میرزا ، مساوات ، دهخوار قانی ،
نایب رئیس - حالا رأی می گیریم بکلبه
این قانون و آن بقیام و قعود داشت ولی اسند عامی کنم
که آقایان نشونند که عدد نوشته می شود کسانوکه
تصویب می کنند کلبه این قانون معاصیات عمومی
را بقرار یابی که مواد آن گذشت قیام نمایند . با کثیریت
[۶۰] نظر تصویب شد .

آقا شیخ محمد خیابانی - مدتی است که در این مجلس رای با اوراق گرفته می‌شود و این در واقع پاک خلاف بزرگی است و صوہ اثرش را هم دیده‌ایم مع ذالک هیچ ملاحظه ندارند در نظامنامه می‌گوید هر نماینده دارای دو ورقه است یکی سفید یکی آبی اگر این را ملاحظه بگنند که در وقت انتخاب برای مصلحتی نزد کمیسیون یا جای دیگر یا کافر دونفر را در پهلوی آن منشی بگذارند که در انتخاب اشتباه نشود در صورتیکه بگذر اشتباهها برای یک کمیسیونی در آید و قابل هیچ اهمیت نیست ولی در اینجا یک مشکله است که یک رای کم وزیرادیک فائزی از برای مملکت پسته می‌شود زیرا یک چیزی را دیدم همین ایام برای تصویب یک خرجی با اوراق رای می‌دادند آقای امام جمهور پهلوی بنده نشسته بود دیدم که در یک ورقه سفید لفظ آبی نوشته بودند و بعد در روزنامه هم دیدم که ورقه سفید در آمد و بند او را تصدیق می‌گننم و عرض می‌گننم که ورقه آبی را سفید و سفید را آبی ننویسند پس این برای این است که ورقه آبی را با اسامی بینند که این آبی است و این سفید بنده مقصودم این بود که با کمال تاکید عرض کنم که هیئت رئیسه پاید قبول نگفند آن ورقه که از اداره مباشرت داده‌اند اورا استعمال کنند.

نایب رئیس. - بله این مرافقتی است که نایب در آنچه بشود دستور جلسه آنچه شور در مواد (۶۲) و (۶۱) دیوان محاسبات - لایحه وزارت جنگ در گرفتن صوار از ایلات - قانون مالیات نریاک-قانون ثبت اسناد .

از این است که سنا ابدآ حق مداخله ندارد مسئله وضع قانون غیر از مسئله مداخله است اگر این اصل را دقت بفرمایند هیچ اخلاقی نیست و گمانم این است که محتاج بمنا کرده نباشد.

نایب رئیس — رأی موکبیم ولی بعضی از آقایان تقدیم‌های رأی علمنی با اوراق نموده اند تقدیمانم بحضور ذیل خوانده شد :

**نایب رئیس پکار تهدیدگر ماده (۴۹) خواهد
بود (ماده مزبور فرائت شد)**

محمد هاشم میرزا - اگر در تمام این ماده
رأی داده شد و رد شد تمام این ماده از میان میروند
و حالا اینکه آقایان نظرشان بهمان جزء اول
است و نظرشان بتمامی پست خوب است تفکر بکشند.
ارباب کیه خسرو - بنده چون از اعضاء
کمپسیون هستم بک چیزی اینجا افتد ام است و آن
این است که در کمپسیون عده معین شده است ۶
نفر از مجلس شورای ملی سه نفر از مجلس سنای و
سه نفر از دیوان محاسبات و اینجا خوازده نشد آن
روز بکه مذاکره در این ماده میشد یکی از آقایان
مقاضی اکبر دند و این ماده رفت بکمپسیون بنده مقاضی بکنم
که عده معین شود.

مُؤْتَهُنُ الْمَلِك - این ماده رجوع شد بکمپیوون
در کمپیوون یک راپورتی فانیمازو شده اند طبع و توزیع
هم شده است از روی آن بخوانند.

فهیم الملک - در کمپسیون مذاکرات عده نشد سابق که در کمپسیون تفسیر مذاکره میشد بیکث نفر آنچه تقاضا کرد وحالا همانطور یعنده تقاضا می کنم که نوشته شود (۶) نفر از مجلس شورای ملی (۳) نفر از مجلس سنای (۲) نفر از دیوان محاسبات (مجدداً ماده قرائت شد)

نایب رئیس - حالارای می کیریم بهاده (۴۹)
که موافق راپورت کمیسیون خوانده شد کسانی که
موافقند ورده سفید پیندازند .

وکیل التجار - اختصار نظامنامه دارم و آن
این است چون هفاضت ایجکه در رأی علمی شد
است خوب است بدهند یک نفر امضاء مکنند که
ده نفر شود چون را بد قانون را شد .

نایب رئیس - خوب بود نهاینده محترم نظامنامه را ملاحظه می کرد آنوقت این اخطار را می کرد در نظامنامه نوشته است که پنج نفر کافی است بنابراین هر از این نفر زیادی است حالارأی می کیریم کسانی که تصویب می کنند ماده [۴۹] را بقریبی که کمپیون پیشنهاد کرده است ورده سفید خواهند انداخت - در این موقع شروع باخذه آراء کردید و نتیجه استغراج آراء را آقای معاصدالملک پیشون ذیل اعلام نمود : عده حضار [۷۴] ورده [۲۲] صفید علامت بول [۴۳] ورده آی علامت رد [۲۲] امتناع [۹]

تحقيق و تفحص در هر امری از امور با مجلس سین است و یکی از امور مملکت رسیده کی به معاشرات مملکت است و مجلس سنا هم حق رسیده کی و تفحص دارد و اگر چنانچه منحصر به مجلس شورای اسلامی کردیم مخالف با قانون اساسی است **نایب رئیس** - اصل ۴۳ مکرر در ضمن نطق آفایان بوده توجهیم که نماینده محترم این اصل را بهانه کرده اند برای اینکه پلی نطق مفصلی بفرمایند و اینهم گفتند شد که موضوع بودن مجلس سنا و پسر بودن و بودنش راجع باینمسئله نیست مهندزا نوچه نیز گفتند پس برای اینکه مذاکرات از موضوع خارج نشود بمنه مجبور خواهیم شد که اخاطار کنم.

امام جمهوره — مسئله خالی از اهمیت نیست طول مذاکره هم عجی ندارد با خیلی اختصار بگذه هم پسکچند کله ای عرض میکنم چون بند هم از اشخاصی بودم که در دوره سابق داخل درنوشتن قانون اساسی بودم این اصل ۳۲ که میگوید مجلسین در هر امری از امور حق مداخله دارند این یک حق عامی است پس هر حقی را برای او ثابت میکند استدعا میکنم یکقدری عرض مرا توجه بفرمایید شاید هر رض من رفع اختلاف را بگند این اصل ۳۲ که میگوید مجلس حق دخالت در هر امری از امور مملکتی دارند این عام است و سفار اهم شامل است مادا میگویم تخصیص یعنی استثنائی باو نرسیده است باید عدم اینرا بگیریم و عمل کنیم تفسیر قانون حق نمایند گان است ولی معلوم است نماینده بجهنمه عرفیش باید قانون را تفسیر کند ولی نباید از مفهوم ماده یعنی از معانی الفاظ خارج شود اصل ۳۲ میگوید مجلس سنا به راسی از امور حق مداخله دارد پس این حق را ثابت کرده است این استثنائی ندارد مگر در آن اصل ۶۴ گویا استثنائی دارد اما یکقدری اگر التفات بگنبد که بند آن ماده را از اول تا آخر واو اینکه تکرار شود بخواهم شاید رفع اختلاف بشود اصل ۶۴ میگوید پس از انعقاد سنا تمام امور باید به تصویب هردو مجلس باشد اگر آن امور در سنا از طرف هیئت وزرا عنوان شود باید اول در مجلس شورای اسلامی بررسد ولی اموری که در مجلس شورای اسلامی عنوان میشود بر عکس از این مجلس شورای اسلامی خواهد رفت مگر امور مالی که مخصوص مجلس شورای اسلامی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره باطل اعلام مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را به مجلس ملی اطهار نماید وابکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعداز مذاقه لازمه قبول یارد نماید یعنی هر امری که ابتداء اور ادر مجلس سنا یا مجلس وزرا عنوان کردند باید باید به مجلس شورای این درست است ولی اموری که در مجلس ملی عنوان میشود بر عکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت درست التفات کنید مگر امور مالی مخصوص این است که غیر از مجلس شورای اسلامی مجلس سنا حق طرح قانون مالی را ندارد استثنای قانون مالی میکند که چیزی که در مجلس شورای اسلامی تصویب شد دیگر محتاج به تصویب مجلس سنا نخواهد بود اما انه اینکه سنا در آن حق مداخله ندارد بجهة اینکه آخر ماده را بخواهد تصریح میکند که چیزی که از امور مالی در مجلس عنوان شد باید برود مجلس سنا منتها اگر این دو مجلس معارضه نکردن رأی مجلس ثابت و رأی مجلس سنا متعارض باشد اهتمام نیست این غیر

جیدر میرزا - سردار اسد - در مردم قدره حاضر نشده اند
لسان الحکماء - اواه الدوّله میرض بودند .

رئیس - آفای حاجی عزالمالک در صورت
مجلس فرمایشی هست .

حاجی عزالمالک - آفای سید محمد باقر
ادیب را بنده اطلاع دارم که میرض بند واز این جهه
فیبت کردند و دیگر اینکه امتناع کنندگان هم
باید اسم ایشان در صورت مجلس نوشته شود .

رئیس - در آن مسئله اوامی که فرمودید
آفای ادب باید بنویسنده و اجازه بخواهد .

ارباب کیهنسرو - آفای آفای سید محمد باقر
ادیب اجازه نامه نوشته بودند و فرستاده اند و در
آنجا هم فراز بود که اطلاع بسند که بالاجازه بنویسنده
نمیباشد چه شده است که نوشته اند اجازه شان
رسیده است .

رئیس - دیگر ملاحظه در صورت مجلس نیست
(چون اظهاری نشدن رئیس صورت مجلس را مضاudemود)

معاضد الملک - در خصوص امتناع کنندگان
چون در نظام امام داخلی فقط تصویب کنندگان و
رد کنندگان را نوشته است از اینجهت امتناع کنندگان
رادر اینجا درج نکردم را پورت کمپسیون توانین
راجع بقانون محاسبات فرائت شد .

ماهه ۶۲ و ماده ۱۴۰ که از مجلس بکمپسیون
رجوع شده بود در تحت مذاکره در آورد و بترتیب
ذیل اصلاح و بمجلس پیشنهاد مینماید :

ماهه ۶۲ هرگاه مدتی که از طرف دیوان
محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمیع
مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات
میتواند بجزم این تأخیر او را محاکوم بیک جزای
نقدی نماید که از نصف مواقب و مدد میتواند
ویا حق الجماله متتجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت
باهمیت موقع انفال موافق ویا عزل دائمی او را
از وزارت تغایر متبوعه اش بخواهد این پیشنهادات با
شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت
به امورین خود دارند متفاوت نخواهد داشت اگر
چنانچه صاحب جمیع بازهم از اراده حساب امتناع نماید
بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمیع باهتمام
معدی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود
که این از رسیده کی در باره آن حکم صادر کنند
هر نوع مخادری که از این باخت حاصل شود به عنده
صاحب جمیع است .

فهیم الملک - اول این ماه را بطوریکه
عرض می کنم اصلاح بفرماناید - بدیوان محاسبات میتواند
بجزم این تأخیر امر نماید - مبلغی که از نصف مواجب
و مدد معاشر سالابانه و یا حق الجماله متتجاوز نباشد
و آن جمله « اورا محاکوم بیک جزای نقدی نماید »
حذف شود .

حاجی سید ابراهیم - اینجا مذاکره در
این ماده شد باعتبار همان لفظ جزای نقدی برگشت
به کمپسیون و آفای آفای سید حسن اینجا بیان فرمودند
که جزای نقدی چون در شرع نداریم از اینجهه باید
برود بکمپسیون و اصلاح بشود و بنده برخلاف
ایشان عرض کردم جزای نقدی در شرع خیلی داریم
اگر مرادشان این است که برای صاحب جمیع جزای
نقدی معین نشده برای ایلی چیزها بالخصوص جزای

کنم این جور شخص خودش را بی طرف نشان دادن
بلکه وقت اختلافات دو طرف را اختلاف مسلکی می
دانند همیشه فهمیده است که بعضی چیزهاییکه مسلکی
نبست صلاح خودش را همچه دانسته است که راضی
درین مسلکی بشود در صورتی که مسلکش بایک طرف است
طرف مساوی است بعضی مسلکت بایک طرف است
یا این طرف یا آن طرف لکن ذهنش کج رفت، است
و همچه فهمیده است که آنچه آنها می کویند مسلک
خودش است بلکه خوب هم گفته است زیرا عقیده
خودش است و بیک چیزی ترجیزی اعتقاد نمی کنند
می کویند عقیده من یا کفر است از همه چیز از این
دو مسلک یا سه مسلک پیکری را اخذ کرده است یا نظر
از همه چیز می دانند لکن مخالفتی این دو فرقه را
مخالفت مسلکی ندانسته و داخل آن اشخاص صاحب
مسلک نشده است اگر باین معنی بی طرفیم شاهزاده
سلیمان میرزا نا خات بکنند بندۀ عرض میکنم از تمام اشخاص
این مملکت بهترین اشخاص این آدم است که وفتیکه
دانست اختلاف آن اختلاف مسلکی نیست
ورفت داخل شد پیشرف رین تمام مردم است و نباید
و نباید رفت وار امروز بنده مجلس را تقدیر میکنم
و این را در اتفاقات فردیه والاحضرت امام زین العابد
می دام و تقدیس می کنم زیرا از امروز بندۀ می بیشم
که این مجلس از غرض خالی است یعنی غرض شخصی
نبست بندۀ نم من اینطور است که ا در غرض غرض
مسلکی بوده است غرض مسلکی خواهد شد و بـ آن
مسلکی هم که هم مسلکت بودم تعائب می کنم ناچار
از آن طرف خواهم بود و طرفداری می ننم اگر
لئن دیگر دنبال این را نکرمت ه هیچ بنده تمام
کردم را اگر دنبال این طلب را کردم از وقت شاهد
و ادله و افرار اینکه از طرفین دارم ه خودشان افراد
کرده اند در یک جانی و شاید در همین جانه احتلال
اختلاف مسلکی نیست اینرا می آزم با فلسفة ابراز
می کنم و اگر کسی اظهار نکرد و این مطلب را ختم
کردم که من هم تقدیس می کنم از اینکه از امروز
اختلافات مسلکی است و من هم داخل مسلک سیاسی
خواهم شد و طرفداری هم میکنم ولی اگر کسی
حرف دارد با حرف بندۀ ناحالا اجازه بخواهم و بگویم
(اظهاری نشد و حرکت کردم نمایند کان)

نایب رئیس - آفایان تجمل بفرماناید عرض
کنم چون مجلس کار بسیار دارد و کارها متراکم
شده است جلسه آنها فردای دو ساعت پیش از اطلاع
می دهم که جلسه علنی است .

مجلس سه وربع از شب گذشته ختم گردید .

جللسه ۲۱۴

صورت مشرح روز چهارشنبه

۱۳۶۵ شهر صفر ۲۴

مجلس سه وربع قبل از غروب آفتاب در تحت
ریاست آفای ممتاز الدوله تشکیل شد صورت جلسه
روز سه شنبه را آفای معاضد الملک قرائت نمود .

(گاهیین جلسه قبل)

آفای حسنعلی خان - حاج و کبیل الرعایا - سپهبدار
اعظم - آفای سید محمد باقر ادیب بلا اجازه .
حاجی سید نصرالله - ادیب التجار - با اجازه .
آفای میرزا مرتضی قلیخان - دهخدا - دکتر .

هشتم و دی - در مجلس گذشته اگر چه خارج
از دستور است ولی بعضی از صحبت ها شد راجع
بسالک و در ضمن او بعضی مذاکرات شد چنانچه
در روزنامه هم درج شده است حالا بنده میخواهد
عرض کنم در نطق شاهزاده سلیمان میرزا میگویید
که بعضی خواهند گفت که ما بیطرف هستیم من این
لغت را نمی فهم یعنی نه این پر و کرام را قبول
دارم نه آنرا پس لابد خودش بیک سلیمانی دارد مثلاً این را هم میفرمایند که مسلک ما در انتخابات یا مسئله هم
است یا غیر مسئله هم لابد یکی را قبول میکنند پس
بیطرف ممکن نیست بنده تقدیس میکنم فرمایش
شاهزاده را که توضیح داده اگر این معنی را نکرده
بود که معنی بیطرف این میشد بلکه چیز نامعلومی
در الواقع این یک وجود مهمی است و هیچ همچه شخوصی
قابل و کالت نیست یا خودش هم قبول نمیکرد و کالت
را واگر قبول نمیکرد این خودش یک خواننده بود
بملت خیلی خوب گفتند این را و خیلی طرف ملاحظه
است که بیطرف نه این را قبول نمیکند و وجود
مهمل است بیطرف نمیشود ولی چون بنده نسبت
باین مسلکهایی که گفته شد در این مجلس بیطرف
هستم اورا باید بگویم که مراد داشته است بیطرف
باش در صورتی که خودم یات عقیده و مسلکی دارم و
آن شاید پر و کرام این فرقه باشد یا آن فرقه شاید
یکی را مخصوصاً مسلک بنده است با ادله و بر این
آن و در موقع خودش شاید دلیل و برهان
آن را عرض کنم و آن هایی که آن پر و کرام را
نوشته اند بعضی بر این بگویم برای مسلک او که
خود نویسنده تحسین بگند و احتمال دارد که خیریک
چیز مستقیم خودم دارم آنهم ممکن میشود که بعضی
از مواد او را که می دانم خوب است و بعضی از مواد
اینرا هم گرفته ام و یک مسلکی را برای خودم درست
کرده ام یا اینکه یک مسلکی برخلاف تمام اینها
داشته باش بنده ظاهرآ بیطرف ولی باطنآ از آن
اشخاصی که مستقیماً یک مسلک سیاسی معمکم دارند
با هنر خودم دارم حالا هر آن پیدا نکرده ام اظهار
نمی کنم و بیکسی نمی کویم و در خزینه خودم نگاه
داشته ام و فتنی که آنها صحبت کردم در آن موادی که
من قبول کرده ام یار دارم در آن موقع یاردمی
کنم یا آنکه قبول می کنم و می کویم صحیح
است از برای مملکت این غلط است که بکلی من هیچ
نیاشم و بی طرف باش اینرا و وجود مهمل میگویند
او مثل دیوار است مثل این صندلیها است مهمل
است ولی بنده ظاهرآ بیطرف شده ام مثل دیوار
از خصوصی از وجود بنده از اول تا حال در کمپسیونها شاید
هر روز کرده باش بعضی چیزها در جریح و تمدیل و در
مجلس وجود من ظاهرآ نمایش دارد که نه این طرف
هستم و نه آن طرف و نه خودم یک چیزی دارم همچه
اظهارش نمایش دارد بنده شاید در این خصوص
دفاع بگنم یعنی این چور شده ام و عمده اینجور
شده ام لکن باید از خودم دفاع بگنم و اینکه من
این چور کرده ام بعقیده خودم از آن کارهای صحیح
مملکت است و هر کس هم بی طرف هست مثل بنده
می توانم عرض کنم که کار صحیح کرده و اگر چه
اون صحبت را آن روزهم من خارج از موضوع می
دانستم که شده است ولی چون شده است لابد هر من